

## باسمه تعالی

۱..... **هل الامر بالشئ يقتضى النهی عن ضده**

۱..... **مقدمات بحث**

۱..... **تقریر محل بحث**

۲..... **مرحله اول: الامر بالشئ يقتضى النهی عن ضده او لا**

۲..... **توضیح عناوین بحث**

۲..... **معنای عنوان اقتضاء**

۲..... **معنای عنوان ضد**

**موضوع:** توضیح عناوین /مقدمه بحث /امر به شئ و نهی از ضد آن

## هل الامر بالشئ يقتضى النهی عن ضده

### مقدمات بحث

### تقریر محل بحث

بحث در مورد این است که آیا امر به شئ مقتضی نهی از ضد هست یا نیست؟ پر واضح است که دو فعلی که قابل جمع نیستند، امکان ندارد که در عرض واحد هر دو فعل امر داشته باشند؛ زیرا لازمه آن تکلیف بما لا یطاق است. **﴿لا یکلف الله نفسا الا وسعها﴾** امکان ندارد که دو فعلی که در یک زمان قابل اجتماع نیستند، هر دو در عرض واحد، دو امر فعلی داشته باشند.

بحث در این مورد است که آیا اگر یکی از آنها امر داشته باشد، لازمه اش این است که دیگری، نهی داشته باشد؟ این مطلب همان بحثی است که از قدیم الایام بین علمای اصول منعقد شده است. در میان متاخرین بعد از بحث اقتضاء، بحث ترتب را مطرح کرده اند؛ یعنی اگر قائل شدیم به این که امر به شئ مقتضی نهی از ضد نیست، آیا ضد آن می تواند مامور به، امر طولی داشته باشد؛ لذا ما در دو مقام بحث را مطرح می کنیم:

۱- بحث امر به شئ مقتضی نهی از ضد آن هست یا نه؟

۲- بحث ترتب

## مرحله اول: الامر بالشئ یقتضی النهی عن ضده او لا

### توضیح عناوین بحث

#### معنای عنوان اقتضاء

آیا معنای اقتضاء، دلالت است و معنای آن این است که امر به شیء دلالت بر نهی از ضد آن هست یا نه؟ یعنی بحث در مورد علیت اثباتی است. نظیر بحث دلالت امر بر فوریت و عدم آن. یا معنای اقتضاء، تاثیر است؛ یعنی بحث در مورد علیت ثبوتی است و یا اعم از این دو است. گفته شده است که اقتضاء معنایی اعم دارد؛ یعنی به سبب امر، حکم به منهی بودن ضد آن می-شود؛ حال می خواهد امر به شیء، عین نهی از ضد است یا این که امر به شیء دلالت تضمینی و یا دلالت التزامی بر نهی از ضد دارد و یا علیت و تاثیر در منهی بودن ضد آن دارد.

معنای اقتضاء یک معنای وسیعی دارد و شاید معنای لغوی اقتضاء نیز اعم باشد. این که در بحث اجزاء اقتضاء را به معنای موثریت می دانند، به خاطر قرینه خاصه است. قرینه آن نیز موضوع بحث اجزاء؛ یعنی اتیان است، و اقتضاء را به معنای موثریت می دانند. همان طوری که اقتضاء را در بحث دلالت امر بر فور و یا تراخی، به معنای دلالت می دانند به خاطر قرینه خاصه است. قرینه آن نیز این است که امر از مقوله دوال و الفاظ است.

پس معنای اقتضاء، معنای عامی دارد و به معنای تابع و به دنبال چیزی در آمدن است. حال می خواهد این تبعیت به نحو عینیت باشد و یا به نحو التزامی یا تضمینی باشد و یا عقلی و به صورت موثریت باشد. ملاک بحث اعم است و ما در خصوص دلالت یا تاثیر بحث نمی کنیم. ما می خواهیم بحث کنیم که اوامری که در شریعت وجود دارند، آیا نهی از ضدشان دارند یا نه؟ در حقیقت ما می خواهیم از وجود و یا عدم وجود نهی از ضد بحث کنیم، به هر نحوی که می خواهد وجود داشته باشد. در مورد عنوان نهی نیز توضیح مختصری وجود دارد که در خلال بحث به آن تذکر داده می شود.

#### معنای عنوان ضد

ضد در محل کلام، به معنای ضدی که در منطق و فلسفه مطرح است، نیست. در منطق و فلسفه ضد را به معنای دو امر وجودی که اجتماع آنها در موضوع واحد محال است، می دانند. در مقابل تقیضان که یک امر وجودی و یک امر عدمی است. ضد در اصطلاح اصولی اعم از ضد و تقیض در اصطلاح فلاسفه است؛ لذا ضد را در اصول به ضد عام و ضد خاص تقسیم کرده اند.

پس مراد از ضد چیزی است که با مأموریه جمع نمی‌شود. چه امر وجودی و چه امر عدمی باشد. معنای ضد در این جا، ضد عرفی است.

مطلب دیگری که در این جا محل بحث واقع شده است این است که آیا بحث ضد از مباحث علم اصول است یا نیست؟ ظاهر عبارت مرحوم آخوند در بحث ثمره است که این بحث یک مسأله اصولی است؛ زیرا نتیجه آن در طریق استنباط حکم شرعی قرار می‌گیرد. تفصیل این مطلب در جلسه آینده مطرح می‌شود.